



**شهادت
مظلومانه
حضرت زهرا (س)
تسلیت باد**

صفحه ۳

نبض صداوسیما
درباره دانشگاه صداوسیما

نبض

کاهنامه مستقل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه صداوسیما



امام خمینی (ره)
**انقلاب ما
انفجار نور بود**

سامانه پیامکی: ۰۵۷۵۷۵۷۰۰۰ | ۰۱۰۰۰ | @IRBnabz | آدرس تلگرام

سال اول شماره دوم | بهمن ماه ۹۶ | جمادی الاول ۱۴۳۹ | ۴ صفحه | قیمت: ۵۰۰ تومان

گزارش نبض از وضعیت دانشجویان نوبت دوم دانشگاه صداوسیما:

تحصیل در دانشگاه آزاد به صرفه تر از دانشگاه صداوسیما!

صفحه ۴



نهاد ها خیلی ریشه دوانده اند بد نیست هر از گاهی تیشه به ریشه شان زد. فیلم هایی که با الگو برداری از فیلمفارسی ها ساخته میشوند براحتی مجوز می گرفتند ولی ریشه های انقلاب باید هر بار برادریشان را ثابت می کردند به رنگ ارغوان حاتمی کیا پس از پنج سال اجازه انتشار یافت و گزارش یک جشن هیچ وقت داوود میرباقری، «آدم برفی» اش توقیف شد. «مارمولک» کمال تبریزی (فیلمی که به گفته کمال تبریزی مورد تایید رهبر انقلاب هم بوده) از پرده پایین آمد. خانه سینمای ایران پلمپ شد تا قلب هنرمندان پلمپ شود. کاری عبث و بیهوده که زخمی بر تن سینمای ایران گذاشت و هنوز هنرمندان از به یاد آوردنش ناراحت می شوند. اما نباید بی انصاف بود. گاهی سینما و سینماگران هم، کم لطفی کرده اند. چندین سال است که تکفیری ها در منطقه جولان می دهند. دلاوران ما شجاعانه در مقابل آنها ایستادند. سهم سینمای ما در بازتاب این رشادت ها چقدر بوده است؟ انقدر کمی به سراغ این موضوع نرفت تا بالاخره ابراهیم سینمای ایران، تیشه اش را برداشت تا اندک ریشه باقی مانده تکفیری ها را نیز بزند. پرویز شیخ طادی هم که از همکاران قدیمی ابراهیم است بر خود فرض دانست و کار کرد. اما آن حادثه کجا و این تک نور ها کجا؟ امروز سینمای ایران راهی پر فراز و نشیبی را طی کرده است. هنرمندان باتجربه تر و ماهرتر، امکانات وسیع، سوز و گریه های نو، آشتی مردم با سینما و سینماگران و مهم تر از همه حمایت رهبر انقلاب از بزرگترین سرمایه های ماست. کاش این سرمایه ها را از دست ندهیم. به فکر باشیم. فرصت ها خیلی زود می گذرند. شاید هر صد سال یک ابراهیم و داوود و رسول و کمال ساخته شود. شاید هم اصلا حال که داوود میرباقری برای ساخت مجموعه تاریخی سلمان فارسی پا پیش گذاشته تمامی تلاشمان را برای تحقق هدفش بکنیم. نکند خدای ناکرده دیر شود.

مسعود کیمیایی سال ۱۳۵۶، درست یکسال قبل از انقلاب، خبر پیروزی انقلاب را با فیلم «سفر سنگ» داد. سفر سنگ، نجات انسان ها از استثمار بود. اما با وجود این چند فیلم، باز هم سینمای ایران حال و روز خوشی نداشت. مردم استقبال از سینماها نمی کردند، چون سینما راهش را از مردم جدا کرده بود. در بحبوحه انقلاب اسلامی، همه در خصوص برخورد جمهوری اسلامی با سینما سردرگم بودند. بعضی ها از تعطیلی کامل سینما سخن می گفتند. دلیشان هم این بود که مگر می شود سینما داشت بدون فحشا؟! اما سخنرانی امام خمینی (ره) در بهشت زهرا، سینما را نجات داد: «ما با سینما مخالف نیستیم، بلکه با فحشا مخالفیم». آنهایی که نتوانستند در این فضا کار کنند، رفتند و آنهایی که ماندند سعی کردند خودشان را با شرایط وفق دهند. اما کار به همین جا ختم نشد. انقلاب اسلامی ریشه هایی داشت که کم کم سر از خاک بیرون آوردند و نهال شدند. ابراهیم حاتمی کیا، حسن فتحی، سیروس مقدم، کمال تبریزی، رضا میرکریمی، ابوالحسن داودی، رسول صدرعاملی، پوران درخشنده، محمدحسین لطیفی، مرحوم رسول ملاقلی پور، ابوالقاسم طالبی، مرحوم فرج الله سلحشور، مجید مجیدی، داوود میرباقری، مهدی فخیم زاده، شهریار بحرانی و بسیاری دیگر از کارگردانان جوان، با دست خالی بار سینما را مردانه به دوش گرفتند و عرفان انقلاب و دفاع مقدس را وارد سینما کردند. هر کدامشان برای خود سبکی ساخت و از دریچه سینما حرف انقلابی زد. اندیشه پاک این سینماگران، سینمای پاک را زنده کرد. در سینمای آنها خبری از سکس و آواز نبود. خبری از شوخی های جنسی نبود. دستشان خالی بود ولی دل و اندیشه شان پاک و استوار. نوری که انقلاب به قلب های مردم ایران تابانده بود، پرده های تیره ای را نیز نورانی کرد و آن هم متقابلاً همان نور را شدت بیشتر بازتاب داد. راه سینما با مردم همسو شد و آشتی کردند. اما طولی نگذشت که عده ای احساس کردند که این



تأثیر انقلاب اسلامی بر سینمای ایران:

بازتاب نور انقلاب بر پرده تیره ای

م.حسن علیخانی:

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه

روزی که برادران لومیر، سینماتوگراف را اختراع کردند گمان نمی کردند که اختراع آنان به این اندازه در زندگی مردم نفوذ یابد. مظفرالدین شاه بی نوا هم نمی دانست که این سینماتوگرافی که به کشور وارد می کند اهمیتش در تاریخ ایران از خودش بیشتر خواهد بود. به هر حال سینما کم کم رشد کرد، هر چند فیلم های ابتدایی بسیار ساده و آمانور بودند. اما در دهه های ۴۰ و ۵۰، کم کم سینما به سمت گونه ای از فیلم ها کشیده شد که توسط دکتر هوشنگ کاووسی به فیلمفارسی شهرت یافتند. صادق بارز آن فیلم «شاپاجی خاتم» بود. فیلم هایی با درجه بالایی از شهوت گرایی و سطحی نگری. این مسیر تا جایی پیش رفت که سینمای ایران پر شد از ساز و آواز و رقص و سکس. «هنر سینما» در پرده تیره ای غریب بود. در اواخر دهه ۴۰، با ورود کارگردانان موج نوی سینمای ایران خونی تازه در رگ های سینما جریان یافت. داریوش مهرجویی با ساخت فیلم «کاو» نشان داد که سینما خودش انقدر جذابیت دارد که نیازی به آواز و شهوت ندارد. فیلمی خوش ساخت با قصه ای زیبا، مسعود کیمیایی هم که جوان بود، فیلم قیصر را ساخت. قیصر خشم مردم از ظلم و جور بود که مسعود کیمیایی آنرا فریاد زد.

اسلام هراسی پس از کمونیسم هراسی:

دومینوی رقیب سازی غرب

۲

نگاهی به سینمای پس از انقلاب:

جدال هنرمندان با هنربندان

۳

نقدی بر وضعیت صداوسیما:

یک بام و دو هوای رسانه ملی

۴

زندگی نامه رضاملک خان تلویزیون

۴

با مشارکت معاونت سیما رقم خورد:

تقاهمی برای هموارسازی حضور دانشجویان در تلویزیون



با هدف همکاری های مشترک علمی، آموزشی و تولیدی در حوزه سینما، تقاهم نامه ای میان معاونت سینما و دانشگاه صداوسیما امضاء شد. دکتر میرباقری معاون سینما، تعامل حوزه های مختلف را نتیجه تفکر و گفت و گوهای سازنده دانست و گفت: آشنایی با ظرفیت ها و توانایی های آموزشی در دانشگاه صداوسیما از یک سو و شناخت نیازها و مأموریت های برنامه سازی از سوی دیگر به دستیابی نتایج مطلوب کمک خواهد کرد. دکتر میرباقری رسیدن به الگوی مناسب در جذب و تربیت نیروی برنامه ساز را از مهمترین بندهای تقاهم نامه مشترک میان معاونت سینما و دانشگاه صداوسیما دانست و از مدیران این معاونت و استان دانشگاه خواست در تالارهای گفت و گو، نتایج آن را عملیاتی کنند. بر اساس مفاد تقاهمنامه فی مابین، مقرر شد، معاونت سینما زمینه های بازآموزی، کارورزی، مهارت افزایی و انتقال تجربیات حرفه ای را برای دانشجویان دانشگاه صداوسیما فراهم آورد. شناسایی، تربیت و معرفی استعدادهای جدید در حوزه های گوناگون؛ همکاری در زمینه احیاء راه اندازی، توسعه و به روز رسانی رشته ها و گرایش های مورد نیاز و ترغیب و تشویق تولیدات دانشجویی از طریق پخش آثار فاخر در شبکه های تلویزیونی از دیگر مفاد این تقاهم نامه سه ساله است.

کارآمدی نظام سیاسی

رضا کارگو:

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه



بعد از شکل گیری هر نظام سیاسی و فروکش کردن هیجاناتی که منجر به نظام سیاسی گردیده است، مهمترین موضوعی که به آن نظام مشروعیت می بخشد و دغدغه اصلی آن می شود مساله کارآمدی است.

مفهوم کارآمدی عموماً در مرحله بعد از تشکیل گیری نظام های سیاسی مورد توجه قرار می گیرد، چرا که نوعی مشروعیت ثانویه برای نظام سیاسی به حساب می آید و مشروعیت مسئولین آن به کارآمدی شان بستگی دارد.

در جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر به مفهوم کارآمدی به عنوان کلیدی ترین موضوع مورد بررسی می توان پرداخت.

کارآمدی را می توان اقدامات یک نظام سیاسی برای رسیدن به اهداف خود و برطرف نمودن موانع تعریف کرد. وقتی می خواهیم در مورد مفهوم کارآمدی یک نظام سیاسی حرف بزنیم ابتدا باید دموقوله را به خوبی مد نظر قرار دهیم.

اول اینکه یک نظام سیاسی از اجزای مختلفی تشکیل



#دختران خیابان انقلاب

خانم هاسریازان خط مقدم انقلاب بودند و این به معنای واقعی کلمه است و من به عنوان یک مبالغه نمی گویم، اگر زن ها با انقلاب سازگار نبودند و به آن باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی شد. رهبر انقلاب

معرفی کتبی که لازم است بخوانیم

کتابخانه من

” رهبر انقلاب چندی پیش در جریان یکی از دیدارها گفتند: کتاب خاطرات سفیر را توصیه کنید که خانم هایتان بخوانند.“



خاطرات سفیر
نیلوفر شامشیر

او شد سفیر ایران، یا بهتر بگوییم سفیر اسلام در قلب کشور فرانسه بانویی محجبه و شاید کمی متفاوت از همسالان و همکلاسی های خود که برای تکمیل تحصیلاتش در رشته ی طراحی صنعتی، برای مدتی ایران را به مقصد فرانسه ترک می کند و اینگونه خاطرات سفیر آغاز می شود.

کتاب «خاطرات سفیر» به روایت خانم نیلوفر شامشیری با نگارشی صمیمی و ساده، خواننده را به خوابگاهی در پاریس می برد و او را با رویدادها، تجربه ها و خاطراتش شریک می کند.

خاطرات دختر مسلمانی که در کشور فرانسه، هرچند برای ادامه ی تحصیل در مقطع دکتری حضور دارد اما سفیری شده است برای دفاع از حقیقت اسلام، مواجهه ی او با آدمهای مختلف و اتفاقات متفاوت این خاطرات را جذاب تر می کند، از قبول نشدنش در بهترین دانشگاه فرانسه تنها به دلیل حجابش و دست ندادن با سرشناس ترین اساتید مرد تا برگزاری دعای عهد در اتاق خوابگاه و خواندن دعای کمیل برای «یک سلیم النفس».

خاطرات منتشر شده در این کتاب، ابتدا در وبلاگی به نام «سفیر ایران» توسط نویسنده نوشته شده و سپس به مرور بر آن خاطرات افزوده شده است.

ایشان در این کتاب، حدود سی خاطره را به رشته ی تحریر درآورده و توضیح نیز داده اند که این مجموعه در واقع بخش اندکی از تمام خاطرات ایشان است و ابراز امیدواری کرده اند بتوانند فصل های بعدی این کتاب را نیز بنویسند.

وی در بخشی از وبلاگ خود نوشته: «چند سال پیش وقتی برای تحصیل وارد فرانسه شدم، فکر می کردم فقط یک دانشجوی دکتری طراحی صنعتی هستم، اما دقایق زیادی نگذشت تا بفهمم پیش از اینکه دانشجو باشم در هر مقطع یا هر رشته ای، نماینده ایرانم و رفتار و گفتارم بیش از اینکه معرف «من» باشند، معرف یک مسلمان ایرانی است. برای کسی مهم نبود من چه می کنم و چه می خوانم. چیزی که اطرافیانم می خواستند بلدانند پاسخ سوالات و شبهات ذهنشان بود درباره ی هر چه به ایران مربوط می شد.»

الهام نادری مقدم:

کارشناسی ارشد مهندسی برق



اکنون که نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، به وضوح روشن است که حمایت های مردم از انقلاب و درون مایه اسلامی آن دلیل این تداوم و بالندگی در سال های اخیر است.

بنابر نظر تحلیل گران شرقی و غربی در زمان اوج گیری مبارزات مردم علیه رژیم سلطنتی و همچنین در سال های اول پیروزی انقلاب، هویت اسلامی دلیل انقلاب شناخته می شد. بر همین اساس آنها ادعا می کردند که نظام انقلابی ایران اگر بر مایه های اسلامی خود اصرار ورزد یا فرو خواهد پاشید یا از درون دچار دگرگونی خواهد شد که این دگرگونی، همان غلبه ی لیبرال دموکراسی غرب بر روح اسلامی است.

به عبارتی آنها معتقد بودند که اسلام و جمهوری دو مقوله جدا از هم بوده و نمی توان آنها را در یک ساختار حکومتی ارائه کرد. بر خلاف عقیده

بیگانگان ماهیت اسلامی انقلاب مردمی ایران به نقطه قوتی برای انقلاب، نظام و راز ماندگاری آن تبدیل شد.

ایدئولوژی اسلامی انقلاب مردم ایران و استقرار نظام مردم سالاری دینی بر پایه ی این ایدئولوژی، وجه تمایز بین انقلاب ایران و سایر انقلاب های بزرگ جهان را نشان می دهد.

از دیگر وجه تمایزات انقلاب اسلامی با سایر انقلاب های بزرگ، حق حاکمیت مردم ایران بر سرنوشتشان (استقلال) بود.

این مهم با برگزاری همه پرسی فروردین ۵۸ برای تعیین نوع حکومت دلخواه مردم (آزادی) محقق شد که اتفاقی بی نظیر در تاریخ انقلاب های جهان به شمار می رود. این رویداد باعث شد تا شعار اصلی مردم ایران در راهپیمایی های ملیونی سال ۵۷ «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود تحقق یابد.

با بررسی اوضاع سیاسی- اجتماعی کشور های فرانسه، روسیه و ایران در سال های مربوط به انقلاب هر کدام، تفاوت دیگری بین انقلاب ایران

و انقلاب کشور های ذکر شده نمایان می شود. دولت های روسیه و فرانسه در آستانه وقوع انقلابشان اوضاع اقتصادی خوبی نداشته و در مرحله ی ور شکستگی کامل قرار داشتند. هر دو حکومت از هیچ گونه حمایت خارجی برخوردار نبودند و بسیار آسیب پذیر تر از هر زمان به نظر می رسیدند.

حال آنکه ایران در آن زمان در مطلوب ترین شرایط اقتصادی تاریخ حکومت پهلوی قرار داشت، همچنین دولت وقت آمریکا از حامیان اصلی رژیم شاه بوده و غرب از ایران به عنوان (جزیره ثبات) یاد می کرد.

پس مبارزه برای براندازی حکومتی وابسته و در اوج قدرت بسیار دشوار تر می نمود. نویسنده آمریکایی: «انقلاب های فرانسه و روسیه آمدند و ساخته نشدن ولی انقلاب اسلامی ایران نیامد بلکه با توجه به شرایط موجود ساخته شد. انقلاب اسلامی به دنبال پیروی از برنامه های انقلاب دموکراتیک فرانسه یا برنامه های سوسیالیستی

و دانش، تأمین رفاه، مشارکت در مسائل گوناگون و... در این بعد قرار می گیرد. هر نظام سیاسی باید بتواند برای کارآمد بودن در هریک از این حوزه ها به خوبی عمل کند.

بعد خاص کارآمدی با توجه به شرایط و مقتضیات خاص هر جامعه تعریف می شود. شعارها، ارزش ها و باورهای هر جامعه در این بعد قرار می گیرند. نظام های سیاسی باید بتوانند در این حوزه ها نیز به خوبی عمل کنند. یک نظام سیاسی باید بتواند شعارها و ارزش هایی را که در ابتدا ساخت خود را بر آن ها بنا نهاده است حفظ کند و ادامه دهد و نه تنها مسئولین بلکه مردم نیز باید به این شعارها و ارزش ها پایبند باشند. همانطور که گفتیم بعد خاص کارآمدی برای نظام های مختلف متفاوت است. مثلاً یک نظام لیبرالیسم با یک نظام کومونیسم و یک نظام اسلامی ارزش های متفاوتی دارند و بر پایه ارزش های متفاوتی شکل گرفته اند. این نظام ها باید بتوانند اصول و ارزش هایی را که بر آن ها استوارند را حفظ کنند و ادامه دهند. پس وقتی بخواهیم در مورد کارآمدی یک نظام سیاسی قضاوت کنیم ابتدا باید به درستی با مفهوم کارآمدی آشنا شویم و گزاره های مهم در حوزه کارآمدی را بشناسیم و بعد از آن با سنجش این گزاره ها می توان کارآمد بودن یا نبودن یک نظام سیاسی را مورد قضاوت قرار داد. (ادامه دارد)

فرا تر از انقلاب ها

انقلاب روسیه نبود بلکه به دنبال فراهم آوردن و استقرار جامعه ای مستحکم و نوین بر اساس مکتب بویا و سازنده اسلام بود. ضمن آنکه مطابق با تحولات و پیشرفت های شگرف علمی و فنی قرن بیستم باشد.

رهبری موثر امام خمینی (ره) با تکیه بر ایدئولوژی اسلام و بسیج مردمی، به دنبال تحقق عدالت و برقراری حکومت صالحان از جمله وجه افتراق انقلاب اسلامی ایران در برابر دیگر انقلاب های مهم در صحنه جهان است و این امر تا جایی است که بسیاری از حرکت های انقلابی در کشورهای اسلامی با الگو گیری از انقلاب اسلامی ایران حرکت خود را آغاز کردند.

شکل گیری انقلاب های مردمی در خاورمیانه در چند سال اخیر شاهدهی بر این مدعاست و این راه تا برقراری حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) ادامه دارد.

اسلامی هراسی پس از کمونیسم هراسی؛

دومینوی رقیب سازی غرب



د) با حذف و خنثی نمودن اندیشه های آن دسته از انسان های آزاده و ادیبان و مذاهب مانند اسلام به خصوص تشیع که ایران گونه بی عدالتی بر ملت ها را نمی پذیرند و در واقع نوعی رقیب و تهدید برای آنها محسوب می شوند از سر راه برداشته و برای ایجاد دهکده ای به کد خدایی کشورهای مسلط همانند آمریکا هموار سازند و فرایند جهانی شدن را برای خود آسان کنند که همه این ها به وسیله رسانه های جمعی برایشان مهیا می شود اما باید دید رسانه های داخلی در مقابل این رسانه های بیگانه که اسلام هراسی را برای منافع خود راه انداخته اند چاره ای اندیشیده اند؟

اگر چاره ای اندیشیده اند تا چه حد موفق بوده اند، اگر موفق نبوده اند آیا به دلیل عدم اعتماد سازی در بین مخاطبان نبوده است؟

اقتباس از: تحلیل گفتمان های رادیو، فردوس آقاقل زاده، دفتر پژوهش های رادیو ۱۳۸۹ تهران

چهار گانه آناه عملی شود.

آنها در پی این هستند که:

الف) کشورهای کوچک و ضعیف و وابسته را به وحشت اندازند تا آنها جهت تأمین امنیت خود اقدام به خرید هر چه بیشتر سلاح های شده ی کشورهای بزرگ مبادرت ورزند در نتیجه صنعت کشورهای بزرگ رونق یابد و یا حاضر به عقد معاهدات سنگین نظامی-امنیتی با کشورهای استعمارگر و مسلط شوند و در نتیجه کشورهای بزرگ در کشورهای مورد نظر دارای پایگاه های نظامی می شوند و اسباب نظارت بر آن کشور و کشورهای منطقه بدین طریق فراهم می آید.

ب) در پوشش دفاع از آزادی مجوز تجاوز به کشورهای مستقل را جهت تسلط بر منابع انرژی و آن و نظارت بر موقعیت ژئوپولیتیک منطقه از طریق مجامع بین المللی صادر کنند، مجوز بدست آورند.

ج) با تسلط بر منابع انرژی نقش برتری خود را در سیاست آینده جهان حتی در مقابل سایر کشورهای صنعتی که به طور بالقوه ممکن است رقیب محسوب شوند حفظ نمایند.

فاطمه مه دانه:

کارشناسی ارشد تهیه کنندگی رادیو



در طول چند دهه گذشته غیرت سازی اجتماعی یا رقیب سازی یعنی همان دشمن هراسی یا غیر خودی معرفی نمودن کشور یا گروهی در قالب مبارزه با کمونیسم در بلوک سرمایه داری غرب مطرح بوده و امروزه با فروپاشی بلوک شرق یعنی کشورهای دارای ایدئولوژی کمونیستی تلاش کرده اند اسلام هراسی را جایگزین آن نمایند.

در واقع امروزه متفکران جهانی سازی و دهکده جهانی، اسلام هراسی را جایگزین کمونیسم نموده اند.

راهبرد های عملی این تفکر با طرح مسابلی از قبیل مبارزه با تروریسم، دفاع از آزادی و دموکراسی، برجسته نمودن اعمال خشونت بار برخی مسلمانان افراطی در جلوی چشم بینندگان از طریق ماهواره ها، و همچنین مجاز شمردن توهین به مقدسات مسلمانان و موضوعاتی دیگر از این قبیل است که به کلون خبرسازی تبدیل شده اند تا اهداف حادقل

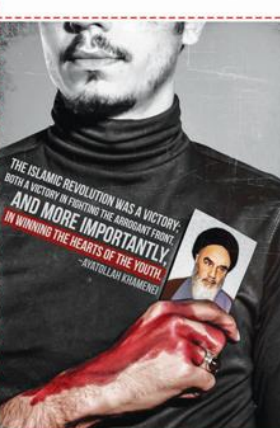
جستمان هزاران تنتهيد بر اعمال شما دوخته تندهاست



دختر خيابان انقلاب

سوزن هاي تهگرد را زير انگشتانش نهادهد، چشمان زن بسته بود و جاي را نميديد. ناگهان دستانش را به ديوار كوبيدند و سوزنها را زير ناخنها تا ته فرو كردند. درد، استخوان هاي زن را مي سوزاند اما لب از لب نميگشود. خاموش كردن ته سيگار روي بدن زن ها از دوران جنگ ونيتمه شد. بد بود و آمريكيها كشف كرده بودند زنان ويتنگت تنها با اين شيوه لب به سخن باز ميكنند. ساواي ها زن را روي تخت خواباندهد و پس از فحشهاي تكان دهنده و سرگيجه آور حالا سيگاريهاي خود را روي بدن او خاموش ميكنند اما فايده بود. گوي ساوايها بايد به دنبال راه ديگري ميبودند. زن، ديگر جاي سالمی برای شكنجه شدن نداشت.

آن زن مرضيه حديدجي بود. دختر انقلاب ملت كه برای آرماتش، با پای جان ايستاد اما اين پايان داستان او نيست. ساواك برای آنكه مقاومت اين زن را بشكند آخر كار رفتند دخترانش را آوردند و جلوي چشم مادرشان، دردناكترين شكنجه ها را بر روي آنها شروع كردند. راضيه و رضوان ۱۴-۱۳ ساله بودند كه جلوي مادرشان، آفتد آنها را زدند و با سيگار سوزاندهد كه زن دعا ميكرده دخترانش زودتر ميرند تا اينقدر زجر نكشند اما زن مرگ حرق مي زد! هرگز!



انقلاب اسلامي

به رهبري امام و با پشتيباني قاطعيه ملت و با ميدان داري جوانان به پيروزي رسيد.
اين يك فتح بود:
هر فتح ميدان مبارزه با استكبار بود، و هر بالاتر از آن، فتح سرزمين دل جوانان بود؛



امير حسين گريمي ::
كارشناسي ارشد مديريت رسانه

پس از پيروزي انقلاب اسلامي، هنرمندان و سينماگران، افق

مهمي را پيش روي هنر، علي الخصوص سينما، تصور مي كردند. برخي گروه هاي خودسر نيز حكم به ممانت سينما مي دادند تا اينكه رهبر كبير انقلاب اسلامي، ديدگاه خويش در باب سينما را به وضوح بيان كرد و مخالفت خويش را نه با اصل سينما بلكه با فحشا اعلام كرد. لذا همگان دريافتهد كه عصر فيلمفارساي به پايان رسيده است و سينما به مثابه ابزاري برای رشد و تعالي جامعه ديده ميشود نه بعنوان ماشين ارضاي تمايلات شهواني و دميدن در آتش انحطاط فرهنگي روزافزون جامعه. لذا همين فضا روشنفكران را نيز تشويق ميكرده تا در غياب هنرمندان و بيانيلم هاي سخي دوره پهلوي، به ارايه ديدگاه هاي بعضا ويزه خويش بپردازند اگرچه آن ديدگاه ها متعلق با بيش انقلاب اسلامي نبود و يا در برخي موارد مخالف آن نيز بوده است.

اما فراموش نكنيم كه الحق و الانصاف، اكثريت سينماگران نيز با انقلاب ملت بيعت كردند و آثار قابل توجهي خلق كردند كه بسياري از مدعيان انقلابي گري در سينما، هنوز هم نتوانسته اند



امير حسين گريمي ::
كارشناسي ارشد مديريت رسانه

بوي دود، رايحه ي بوي سيب را از خانه برده است و هنوز در مشام كودكان باقي مانده ...
مواهي زينبين، پريشان مانده، از چشمان حسين زرمزم مي جوشد اما چشمان حسن خشك است وخيره به ديوار خونين خانه مانده ... دختركان چندروز است منتظر نشسته اند تا دست مادر موهايشان را مادرانه شانه كند ... حسين همچنان گريه مي كند تا كه شايد به اين بهانه، دست مادر اشك چشمانش را بگيرد. سرماي نگاه حسن، دستانش را به لرزش انداخته و تنها آغوش گرم مادر است كه مي تواند به اين خزان سرده، پايان دهد.

كودكان، توقع زيادي ندارند. همين كه دست مادر بر سرشان باشد رضاييت مي دهند اما فضا مدام هتشار مي دهد.

حتي نمي تواننده دست مادر را بپوسند! دستي كه سال ها دستاي مي چرخاند و ايتام و مساكين را نان ميداد دستي كه پيغمبر بر آن بوسه ميزد و دستي كه وقتي هنوز به دعا بالا رفته بود، اجابتش نازل ميشد

چرا اينچنين فرود آمده و فرشتگان اجابت را محزون و منتظر رها كرده؟
تا اينكه شايهنگام فرا ميرسد و فاطمه به نماز شب مي ايستد.
حسن به رسم عادت به تماشاي نماز مادر نشسته بود، نماز مستحب، شكسته نلارد اما چرا زهر! اينچنين شكسته نمازش را اقامه مي كند؟ حسن خدا ميكرده تا مادرش قنوت نماز را ادا كند

مديتهاست پرواز دستان مادر را ندیده است. ناگهان چشمانش سردتر از هميشه به مادر خيره شد قنوت مادر، شكسته ترين فراز نمازش بود حسن گوش تيز مي كند تا مناجات مادر را بشنود
مادر، همساگان را دعا ميكرده، همان هايي كه كه دست همسرش را بسته بودند
همان ها كه قلب فرزندانش را شكسته بودند

جدال هنرمندان با هنربندان

جامعه بي تفاوت بود) از مهمترين عوامل بي رونقي سينماهاي کشور بودند. در اين ميان حاكميت نيز دلخوش به سيطره صداوسيماء بر رسانه هاي تصويري بود كه شبكه هاي ماهواره اي گوي رقيب را از همگان ربوندند و انحصار انتشار تصويري صداوسيماء را به چالش كشيدند اما ريزش مخاطب رسانه ملي تبديل به بهترين فرصت برای آشتي مردم با سينماها شده بود. درست همزمان با خوشحالي اهالي سينما از



دانشجويان صداوسيماء كجايد؟!؟

مصطفی جوان بختي ::
كارشناسي ارشد علوم ارتباطات

در شرايطي كه عده اي سعي دارند دانشگاه و به تبع آن ان کشور را به فرهنگ غيرانقلابي و غيربومي الوده كنند، وظيفه ي «جنش دانشجويي» دقيقا عكس آن است؛ يعني وظيفه اي كه رهبر انقلاب در آخرين ديدار دانشجويي از آن با عنوان «غلبه دادن گفتمان انقلاب اسلامي در دانشگاه» ياد كردند: « شنيدم اين را كه بعضي ها مي گويند كه آقا ديگر دانشگاه نمي شود كار كرد! نه آقا، در دانشگاه خيلي مي شود كار كرد، اتفاقا در دانشگاه بايد كار كرد. چه كسي بايد در دانشگاه كار بكند؟ شما ... آن هم در شرايطي كه گفتمان انقلاب دراي جذابيت هاي منحصر به فردي است كه اتفاقا حضرت امام خميني(ره) هم با تكيه بر همين عوامل توانسته جوان پيش از انقلاب را مجذوب خود كند. در همين زمينه ۱۰ توصيه رهبر انقلاب به دانشجويان و تشك هاي دانشجويي برای چگونگي تحقق گفتمان انقلاب اسلامي در دانشگاه ها را بصورت تيتروار آورده ايم!

۱- فراموش نكردن آرمان گرايي
۲- واقع بيني و توجه به نقاط مثبت جامعه در كنار موانع و مشكلات
۳- نقش فعال و تماشاجي نبودن نسبت به حوادث گوناگون
۴- تلاش جدي و همه جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه ها
۵- اهتمام نسبت به تخاطب واقعي و اكتفا نكردن به فعاليت در فضا مجازي
۶- تبیین كيلواژه هاي اصلي همچون مردم سالاري ديني، نفی نظام سلطه، آزادي، عدالت و استقلال بر اساس بيانات حضرت امام خميني(ره)
۷- تدین و تعبد در عمل و گفتار
۸- شجاعت در اقدام
۹- كار در زمينه مسئله زن در غرب
۱۰- تزريق اميد در دانشگاه ها

حال نگاهی به اوضاع دانشگاه خودمان بپياندازيم؛ نبش صداوسيماء يا همان رسانه ملي در دانشگاه شما مي زند! اين جمله ي ساده اي است؟ آيا مي شود به راحتی از كنارش گذشت؟ آيا مي توان آن را يك جمله تعريفی و تمجیدی از يك مجموعه استنباط كرد؟ با تحليل هايي كه در بالا توسط رهبر انقلاب بيان شد و در ادامه كه

كوبه چاه غربت و فتنه مريم رو

دست ما فاطمه به سوزن قفس پرورد
سوار روع از سوز، پشت افسرد
آرزوها را در خيال در خيال كرده
خاتمه كويي گريه ها چاك كرده
دستها را خاك، گريه ها بگير
نكند لاله همچو از او، چاهم بگير

همان ها كه حرمت خانه اش شكسته بودند اما دعايي در اين ميان چشمه خشكيده چشمان حسن را نيز جاري كرد
اللهم عجل وفاتي سريعا
مادر از خدا تقاضاي مرگ مي كرد؟
فرشتگان مرده شده اند كه اين دعا را به آسمان ببرند يا نه؟ آخر، فاطمه مستجاب الدعوه است. آنهم با چنين دل شكسته و هزار پارم.

البته مادر حق دارد، دنيايي كه سلام علي جواب ندارد، دنيايي كه اشرار بران حاكم شده اند و اسرار علي در چاه دفن مي شود، دنيايي كه خانه وحی در آن به آتش كشيده مي شود، دنيايي كه ديگر، پيامبر در آن نيست. اين دنيا ديگر زنداني عذاب آور است.

فاطميه، حكايت غريبي ست از هزار دستان دست شومي كه در آن روزگار، دست هاي پدر و مادر زمين و زمان را رست و شكست دستي قنغذ نبود، بلكه دست نحس روزمري و نشناختن ولي زمانه بود. همان دستي كه امام زمان را به دست زمانه سپرده و زمين و زمان را بدون ولي رها كرده، اين بار به جاي علي، دست ولي بسته شده، اما كجاست دست هايي كه آماده شكسته شدن باشند؟
كجايند فاطميون...؟ كجايند فدائيان...؟ پهلوها آماده شكسته شدن هست؟ سينه ها آماده سپرشدن هست؟ صورت ها برای سيلی خوردن آماده است؟ آبرويمان را حراج مولا مي كنيم يا خراج و باغ دنيا ما را به خيل خداگويان خانداجو كشته است؟

فاطميه بهانه اي است برای گريه بر غربت ولي زمانه ات. گمان كنن كني كه خود علي هم به غربت مهدی مي گردي؟ حكايت دستان بسته علي و دست شكسته فاطمه را دست به دست كنيد، شايد بهانه اي برای دست به دست هم دادن شيعيان باشد و دست هايمان به دامن يوسف زهراريسمان شود.

دست من گير كه اين دست همان دست است كه بارها در سطر روضه به سر كوفته ام.
(دست خودم نبود كه دست هاي اين متن زياده شد)

اقبال فعلي مردم به پرده نقره اي بود كه معلوم شد سهم فروش بالاي امروز سينما نيز نصيب فيلم هايي شده است كه دوران جديدي بنام نيوفيلمافارساي را خلق كرده اند! فيلم فارسي هايي كه با واصله پينه كردن چند حديث و پيام مذهبي در اول و وسط و آخر فيلم، مذهبيزاسيون شده و از سينماي ارزشي طلبكار نيز ميشوند! ديگر بماند آن فيلم هايي كه اگر شوخي هاي عريان و جنسي، تيكه پراني هاي ضد ديني و دختر خوشكل هاي بفروش گيشه را از ايشان بگيري، تفاوت خاصي با كليپ هاي اينستاگرامي ندارند. با نظر به همه نقاط ضعف مذكور و انتقادات فراوان، امروزه شاهد ميانداري هنرمندان جواني هستيم كه حتي با وجود پرداخت زائرهاي اجتماعي، توانسته اند گيشه را نيز رونق دهند. روشنفكري را نجات داده اند و كنند و در نهايت مرز ميان هنرمندي و هنرپندي را برجسته و روشن مي كنند. خلاصه آنكه تا وصال به آرمان هاي هنري انقلاب اسلامي، فاصله اي طولاني همچنان باقيست اما پيمائش اين راه صعب العبور، غير ممكن نيست.

دانشجويان صداوسيماء كجايد؟!؟

حالا ما دقيقا كجا ايستاده ايم؟! اتفاق جالبی بود در سلف غذاخوري با يكي از اساتيد عزيز مشغول صرف نهار بوديم كه در مورد عبارت هاي ياد شده سخن گفتيم. به همين نكته اشاره كردم كه الان ما كجاي اين جنگ ايستاده ايم؟ استاد گفتند يك نگاهی به دور و برت بپيانداز! بسيار ذهنم را مشغول كرد. آري، دانشجويان هر كدام مي بايست يك افسر جنگ نرم باشند. نيروي جوان نسل سومي كه رهبر انقلاب اخيرا در ديدار با خانواده شهدا فرمودند كه جوان نسل سومي، اميدبخش تر از نسل اول انقلاب است.



سوال اساسي اينجاست كه ما دانشجويان دانشگاه رسانه ملي كجاي اين مسير ايستاده ايم؟
اميدبخش تر! فعال تر! با انگيزه تر! با ايمان قوي و اراده اي راسخ تر!
همه ي اينها در نسل سوم انقلاب مشهود است. قابليت انتقال آرمان ها و اهداف نظام مقدس جمهوري اسلامي توسط اين نسل به نسل چهارم كاملا وجود دارد. اما يك نكته اساسي اين قضيا را با خود درگير كرده است ... رؤسا، مديران، معاونين، برنامه ريزان، طراحان و سكتداران رسانه ملي و دانشگاهش را ...

بايد روشن شود دقيقا اين بزرگواران نيز كجاي كجاي اين جنگ نرم ايستاده اند؟!
براي جنگ نرم چه برنامه اي دارند؟!
چا جذب، تعليم و تربيت نيروهاي پای كار انقلابي و متعهد به موازين نظام برای صداوسيماء چه تدابييري انديشيده اند؟!
از كي، كجا و چگونه بايد آغاز كرد؟!
اميد برآن است كه اين قهرمويي كونا نه توانسته باشد، كمی فكر و ذهن دوستان (چه دانشجو، چه مسئول) را به خود مشغول سازد و برای آن پاسخي درخور داشته باشند.



#پرهیز از عمل سطحی

تربیت اسلامی به يك مسلمان اجازه نمی‌دهد که سطحی عمل کند، سطحی بنگرد، سطحی بیندیشد. خدا بنده ای را دوست دارد که وقتی به کاری دست می‌زند، متقن و محکم و استوار و ریشه دار کار بکند.

شهید دکتر محمدحسینی بهشتی

نبضی شو

برای دریافت نسخه الکترونیک و تازه ترین اخبار و برنامه ها از دانشگاه صداوسیما به کانال تلگرامی و اینستاگرام نبض بپیوندید

@IRIBnabz



آدرس نبض

در پاتوق نشریات دانشجویی کشور:

Pand.Snn.ir/iribnabz/

سامانه پیامکی نبض:

۱۰۰۰۱۰۰۰۵۷۵۷۵۷

برای عضویت در هیئت تحریریه نبض نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی و شماره دانشجویی خودتون رو پیامک کنید

شناسنامه

گاهنامه مستقل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمدحسین آرادی

سردبیر:

رضا کارگر

هیئت تحریریه این شماره:

محمدحسین آرادی، امیرحسین کریمی، مصطفی جوان بختی، رضا کارگر، الهام نادری مقدم، فاطمه مردانه، سیده معصومه حسینی، محمدرضا رشیدی فر، محسن علیخانی

”منتظر ارسال مطالب شما عزیزان هستیم“
این نشریه صرفاً منعکس کننده نظرات نویسندگان می‌باشد.

اهل دانشگاه صداوسیما



کارشناسی مهندسی برق مخابرات

من که اینقد ساده و بی ادعای بهترین تو کل ایران اینجا البته رتبش به کمی پایین در موردش میپرسن آشناها داره ولی عشق و صفایی عجیب هر کی میاد میندازش به جون بدی ساختماناشم همینه اونایی که به عمره اینجا موندن با این همه خدمه و اداره اینترنتم که سرعتش عالیه کیفیت غذای سلفو نگو عالیه گردش تیم بسیج کانون قرآن مرکز سیاحت رتبه ی علمی رو بگم کف کنین دانشجویاش خدایی خیلی تیزن همه فقط حاضر سر کلاس شن ده دقیقه بعد شروع کلاس کسی که اینجا گیر استخدا می خلاصه که عالیه دانشگاهمون پس میگیرم من حرفامو خیلی زود

یک بام و دو هوای رسانه ملی

سیده معصومه حسینی: کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث



بی تردید اساسی ترین روش و وسیله ارتباط جمعی در جهان امروز، رسانه و به طور خاص بی تردید اساسی ترین روش و وسیله ارتباط جمعی در جهان امروز، رسانه و به طور خاص تلویزیون است. هر کشوری با فراهم آوردن بسترهای لازم جهت بهره برداری و بهره دهی در این حوزه، سعی در پیشبرد مقاصد خرد و کلان خود دارد. صدا و سیما یکی از عناصر سازنده، مؤثر، پویا و مورد توجه در هر جامعه است که خواه ناخواه متأثر از فضای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن است و در ایران نیز این موضوع، یعنی تأثیرپذیری از مسائل کلان کشور، مشهود و پدید می‌آید. از آنجا که انقلاب اسلامی در ایران، جوان است و با آرمان های خاص به وقوع پیوسته، همانطور که معاندان این نظام، انتظار رفتارها و خصلت های دینی بخصوصی را از رویه و منش آن دارند و برای مقابله با آن ها، در حال رصد و عملیات روزانه علیه کشور هستند، شایسته و بایسته است که تمام ارکان جمهوری اسلامی نیز در جهت متعالی تر شدن و جهانی شدن آرمان ها و خصلت های ذاتی ایران اسلامی کوشا باشند. بالطبع صداوسیما که از یک سو یکی از ارکان این نظام است و از سوی دیگر به جهت رسانه بودن، مخاطب فراوانی دارد؛ یکی از لوازم پیاده سازی اخلاق و عملکرد اسلام در قالب جمهوری اسلامی است. انتظارات جامعه از مسئولین امر، صداقت، شفافیت، عدالت، دلسوزی و برخورد تخصصی داشتن در برنامه

زندگی نامه رضا ملک خان تلویزیون!

رضاملک خان تلویزیون، پس از شهره شدن در رسانه ملی از کشور خارج و در شبکه های یو یو پی فعالیت پرداخت، پس از چراغ سبز تدبیری ها به کشور بازگشت و در همایش های انتخاباتی با اخذ میبانی بخور و نمیر و خوردن شام در ستاد رقیب! شعار «روحانیت دوووست داریم» سر میداد، پس از آن با راه اندازی یک شبه برنامه در آپارات مخاطبان زیادی دست و پا کرد و مسئولان تلویزیون از ترس از دست دادن مخاطبان به واسطه یک برنامه اینترنتی (!) وی را با شعار «رضاخان خوش اومدی» به تلویزیون برگرداندند، وی اینک به در دانه تلویزیون تبدیل شده و تمام برنامه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی، هنری، سینما، آب، خاک، هوا، زلزله، سانچی، هفت، هشت و نه را با دریافت مبالغ ناچیزی (!) و بدون اعمال نظرات شخصی (!) اجرا می کند و روی عادل خان فردوسی پور را در این زمینه سفید کرده، جا داره بگیم خدقوت پهلوان! خسته نباشی دلاور!



گزارش نبض از وضعیت دانشجویان نوبت دوم دانشگاه صداوسیما:

تحصیل در دانشگاه آزاد به صرفه تر از دانشگاه صداوسیما!



پیام های رسیده از سوی دانشجویان ما را بر آن داشت تا به مقایسه شرایط دانشجویان نوبت دوم دانشگاه صداوسیما با دانشجویان نوبت دوم سایر دانشگاه ها بپردازیم.

صندوق رفاه دانشجویان در حالی لیستی از وام های پرداختی به دانشجویان را منتشر کرده که دانشگاه صداوسیما رویه ای کاملاً متفاوت از مصوبه وزارتخانه را در پیش گرفته است؛ در این لیست بطور مثال مبلغ پرداختی وام شهری به دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه های دولتی، غیرانتفاعی و آزاد اسلامی به ازای هر ترم یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومان و به دانشجویان کاردانی و کارشناسی دولتی و غیرانتفاعی ۳۰۰ هزار و آزاد اسلامی ۵۰۰ هزار تومان است. دانشگاه صداوسیما اما در هر ترم تحصیلی به دانشجویان نوبت دوم ارشد به طور گزینشی مبلغی بین ۳۰۰ تا ۴۸۰ هزار تومان وام شهری اختصاص می دهد! و مبلغ غذای آنها نیز به ازای هر وعده ۳۵۰۰ تومان است؛ مبلغی که در دانشگاه های آزاد حداکثر ۱۵۰۰ تومان و در ابرارغیه صندوق رفاه، نرخ مصوب غذا (ناهار و شام) بر اساس کیفیت آن به ترتیب ۱۱۲۵،۷۹۰ و ۱۲۹۰ تومان و برای دانشجویان سنوات گذشته بین ۲۴۷۰ تا ۴۸۰۰ تومان تعیین شده است، این یعنی دانشگاه صداوسیما رکورد گرانی قیمت غذا را هم شکسته است.

دانشگاه های دولتی برای اقامت دانشجویان نوبت دوم در خوابگاه به ازای هر ترم مبلغی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان از دانشجویان دریافت می کنند و این در حالی است که دانشگاه صداوسیما یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان از دانشجویان نوبت دوم اخذ می کند یعنی به ازای هر شب بیش از ۱۰ هزار تومان.

به طور معمول در دانشگاه های دیگر رویه ای است که دانشجویان برتر علمی نوبت دوم از تخفیف چشمگیر شهری برخوردار می شوند ولی در دانشگاه صداوسیما این موضوع نیز خبری نیست و دانشجویان باید قبل از شروع ترم تحصیلی هزینه کامل شهری ثابت و قبل از شروع امتحانات مبلغ کامل شهری متغیر را به دانشگاه پرداخت نمایند.

نتیجه آنکه شرایط تحصیل برای دانشجویان نوبت دوم در دانشگاه صداوسیما بسیار سخت تر از تحصیل حتی در دانشگاه های آزاد و غیرانتفاعی است چرا که از حیث میزان شهری نیز مبلغ شهری به دانشجویان صداوسیما با مبلغ شهری پرداختی در دانشگاه آزاد اسلامی برابری می کند با این تفاوت که تسهیلات و رفاه دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی به مراتب بهتر از دانشگاه صداوسیماست. چندی پیش پیرو مصوبه هیأت ریسه دانشگاه، کمیته تسهیلات دانشجویی بدون عضویت نماینده ای از دانشجویان! برای ساماندهی و تسریع در رسیدگی به نیازهای مالی و رفاهی دانشجویان، تأسیس شد. هدف از تأسیس این کمیته رسیدگی به درخواست های دانشجویان در خصوص جبران بدهی ها، تخفیف، تقسیط و بخشودگی شهری و هزینه های تحصیلی مانند خوابگاه و تغذیه و ارائه تسهیلات رفاهی و وام به دانشجویان ذکر شده که امید است در بهبود شرایط دانشجویان نوبت دوم دانشگاه مؤثر افتد.